

سنجش تغییرات شاخص‌های کیفیت زندگی بر اثر ارتقای سیاسی - اداری فضا در سطح ناحیه‌ای (مورد شناسی: بخش کوهسارات - شهرستان مینودشت)

بهرام ایمانی* (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه محقق اردبیلی)

علی طورانی (دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز)

حمیده خسروی مهر (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران)

سهیلا باختر (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تبریز)

چکیده

تقسیمات سیاسی فضا به روش‌های مختلفی مانند انتزاع، الحاق، ادغام و ارتقا در سطوح مختلف ناحیه‌بندی سیاسی فضای کشور دچار تغییر می‌شود. یکی از رایج‌ترین این روش‌ها ارتقای سیاسی فضا است. بر این مبنا تحقیق حاضر با هدف سنجش تغییرات شاخص‌های کیفیت زندگی بر اثر ارتقای سیاسی - اداری فضا در سطح ناحیه‌ای، به مطالعه بخش کوهسارات از توابع شهرستان مینودشت واقع در شرق استان گلستان پرداخته است. پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از حیث روش، توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده است. در بخش جمع‌آوری مطالعات میدانی ابزار اصلی اطلاعات پرسشنامه است. این پرسشنامه در قالب طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت در دو بُعد عینی و ذهنی، وضعیت کیفیت زندگی روستاییان را در دو بازه قبل و بعد از ارتقای سیاسی - اداری ناحیه مورد مطالعه می‌سنجد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری spss و آزمون ویکسون استفاده شده است. برای نمونه‌گیری از فرمول کوکران استفاده شد که حجم نمونه ۳۷۵ نفر برآورد شد؛ بنابراین در عمل متناسب با تعداد خانوار هر روستا نمونه‌ها از بین سرپرستان خانوار انتخاب شدند. در نهایت این تحقیق با توجه به آنکه از بین ۳۴ شاخص مورد مطالعه تنها در ۱۵ شاخص تفاوت معناداری بین دو دوره قبل و بعد از ارتقای سیاسی فضا مشاهده شد، نتیجه‌گیری می‌کند که ارتقای سیاسی فضا در سطح ناحیه به‌طور خاص، ارتقای دهستان به بخش به تنهایی نمی‌تواند تغییرات همه‌جانبه‌ای در کیفیت زندگی روستاییان به وجود آورد و لازم است این ارتقای سطح بلافاصله با ارتقای یک عنصر تقسیمات کشوری مانند ارتقای روستای مرکزی بخش به شهر همراه شود.

تاریخ دریافت: ۴ خرداد ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: ۹ بهمن ۱۳۹۷

صفحات: ۱۳۰-۱۱۳



کلید واژه‌ها:

کیفیت زندگی، ارتقای سیاسی - اداری، ناحیه، روستا، بخش کوهسارات.

* نویسنده مسئول: دکتر بهرام ایمانی

پست الکترونیک: Bahram_imani60@yahoo.com

مقدمه

کیفیت زندگی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه است که ارتقای آن می‌تواند منجر به توسعه در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی شود (Gupta, 2015: 302) و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل فراوری جهان امروزی است که در مرکز توجه و توسعه سیاست اجتماعی قرار دارد (Philips, 2006:1؛ حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۸) شناخت، اندازه‌گیری و بهبود کیفیت زندگی از اهداف عمده محققان، برنامه‌ریزان و دولت‌ها در چند دهه اخیر است و به‌خصوص از دهه ۱۹۶۰ به یکی از موضوعات مورد علاقه علوم اجتماعی تبدیل شد؛ زیرا در این دهه مشخص شد که رشد و توسعه اقتصادی لزوماً منجر به بهبود زندگی مردم یک کشور نمی‌شود (Das, 2008: 303)؛ از این‌رو مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به شناسایی نواحی مسأله‌دار، علل نارضایتی مردم، اولویت‌های شهروندان در زندگی، تأثیر فاکتورهای اجتماعی-جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارایی سیاست‌ها و استراتژی‌ها در زمینه کیفیت زندگی کمک کند (Santos and Martins, 2007: 417). در نتیجه کیفیت زندگی محدود به مسائل اجتماعی و اقتصادی نیست و متغیرهایی مانند بهداشت، ثبات سیاسی و امنیت، زندگی خانوادگی، زندگی اجتماعی، امنیت اجتماعی و... را شامل می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد دسترسی به شاخص‌های کیفیت زندگی در جوامع روستایی در قیاس با شهرنشینان، در شرایط نامساعدی قرار دارد که ضرورت شناسایی عوامل تعیین‌کننده کیفیت زندگی روستاییان، می‌تواند با هدفمند کردن برنامه‌ریزی‌ها و راهکارهای اجرایی، راهگشای مشکلات مرتبط با کیفیت زندگی و توزیع عادلانه شاخص‌های آن در نواحی روستایی باشد (جمینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۸). یافته‌های به‌دست آمده از مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند برای بازایی و تدوین مناسب

برنامه‌های سیاسی قبل و همچنین برنامه‌ریزی سیاست‌هایی برای آینده و دستیابی مطلوب به اهداف برنامه توسعه مورد استفاده قرار گیرد (Lee, 2008: 1207). ارزیابی و تحلیل تحولات ساختاری، کارکردی و ارتقای سطوح جغرافیایی ایران از سطح خرد تا کلان نشان می‌دهد، این روند موجب گسترش شهرها و پیدایش مهم‌ترین مسائل نظام اجتماعی و اقتصادی و سیاسی شده‌است (پيله‌ور، ۱۳۹۵: ۲)؛ بنابراین یکی از رایج‌ترین روش‌های بهبود کیفیت زندگی، ارتقای سیاسی فضا است، همزمان با ارتقای سطح سیاسی در یک ناحیه، تغییراتی در ابعاد مختلف آن ایجاد می‌شود و تأثیر آن بر روی کیفیت زندگی ساکنان گریزناپذیر است. سازماندهی سیاسی فضا در هر کشور یا واحد جغرافیای سیاسی از فرایند پویا و مستمر تبعیت می‌کند. هر ساختار سیاسی که در قالب یک کشور تجلی می‌یابد، برای رسیدن به اهداف خود به سازوکارهایی نیازمند است که علاوه بر متناسب‌بودن با ساختار جغرافیایی-فضایی می‌بایست متناسب با تحولات زمانی از دینامیسم کافی برخوردار باشد. برنامه‌ریزی و سازماندهی فضایی بر مبنای مقیاس و با تأکید بر قابلیت‌های مختلف نظام‌های فضایی، از جوامع محلی، مناطق و تا سطح ملی را دربر می‌گیرد و می‌تواند شامل برنامه‌ریزی روستایی، شهری و ناحیه‌ای، به‌نحوی توأمان باشد و می‌کوشد تا کیفیت لازم در نواحی شهری و روستایی را برپا سازد و از آن حفاظت کند (سعیدی، ۱۳۹۱: ۱۳). ضرورت‌ها و نیروهای که در جریان توسعه ملی جوامع بشری تولید می‌شوند، به‌طور دائم ساختارهای سیاسی-فضایی موجود را به چالش می‌کشند و آن‌ها را وادار به انعطاف، اصلاح یا دگرگونی می‌کنند؛ بنابراین حکومت‌ها ناگزیر از اعمال تغییرات مداوم در الگوهای سیاسی-فضایی کشور برای دستیابی به هدف‌های تعریف‌شده خود در عرصه سیاست داخلی و نیز عمل به وظایف و تعهدات خود در

برابر ملت و سرزمین هستند (شکور و همکاران، ۱۳۹۳: ۳).

در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، برای بهبود کیفیت زندگی مردم از لحاظ دسترسی به خدمات، تأسیسات و امکانات، به ارائه تسهیلات رفاهی در جهت کیفیت زندگی مردم مبادرت کرده‌اند (فراهانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۳). همسو با این سیاست، تقسیمات سیاسی فضا به روش‌های مختلف مانند انتزاع، الحاق، ادغام، ارتقا و تبدیل روستا به شهر در سطوح مختلف ناحیه‌بندی سیاسی، فضای کشور را دچار تغییر کرده‌است (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۳-۱۲۲) که نیازمند توجه به رویکردهای ساختاری و فضایی در این مناطق است (ربیعی‌فر و حضرتی، ۱۳۹۴: ۱۱۸). شهرستان مینودشت از توابع استان گلستان تا سال ۱۳۸۹ متشکل از دو بخش مرکزی با مرکزیت شهر مینودشت و بخش گالیکش با مرکزیت شهر گالیش بود. در این سال تقسیمات سیاسی-اداری این شهرستان در قالب ارتقای سیاسی فضا تغییر یافت؛ بدین ترتیب که بخش گالیکش تبدیل به شهرستان گالیکش شد و بخش مرکزی شهرستان مینودشت که دارای سه دهستان قلعه‌قافه، چهل‌چای و کوهسارات بود نیز دستخوش تحولاتی شد. به واسطه این تحولات، دهستان قلعه‌قافه و چهل‌چای نیز بخش مرکزی شهرستان مینودشت را دربرگرفتند و دهستان کوهسارات به بخش ارتقا یافت و روستاهای آن در قالب دو دهستان گرو و سرگل سازماندهی مجدد شدند. این ارتقای سیاسی فضا منجر به ارتقای سیاسی-اداری سه روستای این بخش شد، بدین ترتیب که روستای بزرگ دوزین که تا قبل از این و در تقسیمات سیاسی-اداری گذشته، مرکز دهستان کوهسارات بود، به عنوان مرکز بخش برگزیده شد و اکنون به شهر تبدیل شده‌است و دو روستای مجاور آن صفی‌آباد و درجن به ترتیب مرکز دهستان‌های

تازه تأسیس گرو و سرگل شدند. حال پس از گذشت حدود پنج سال از این ارتقای سیاسی فضا و استقرار بخشداری و برخی اداره‌ها و سازمان‌ها نظیر نیروی انتظامی و اداره برق در این بخش، تحقیق حاضر با هدف سنجش تغییرات شاخص‌های کیفیت زندگی بر اثر ارتقای سیاسی-اداری فضا در سطح ناحیه‌ای، در پی ارزیابی تأثیرات این ارتقای سطوح فضایی بر روی کیفیت زندگی روستاییان بخش کوهسارات از توابع شهرستان مینودشت واقع در شرق استان گلستان است.

مبانی نظری

تنظیم و تنسيق امور قدرت، یکی از مهم‌ترین ارکان سیاسی-اداری محسوب می‌شود. تقسیم قدرت بین مرکز و نواحی و ناحیه‌بندی سیاسی درون کشور نتیجه تفکر و اندیشه نظام سیاسی هر کشور است. فضا، مکان و ناحیه سیاسی به منظور اداره بهتر امور و تنظیم روابط افقی و عمودی آن با سایر نواحی و نیز تعریف و استقرار نهادهای سازمانی محلی، مرزهای ناحیه و قانون آن به سازماندهی سیاسی فضا نیاز دارد (احمدی‌پور و همکاران، ج ۱: ۱۳۸۸: ۳۱). تقسیمات کشوری فرایندی مستقل در هر کشور برای مدیریت سرزمین و اداره بهینه امور و ایجاد حداکثر کارایی در ارائه خدمات بوده که با عنوان «تقسیمات سیاسی فضا» نامیده می‌شود. در این معنا سازماندهی سیاسی فضا تقسیم پهنه جغرافیایی یک کشور به مناطق مختلف از طریق استقرار مرزهای قراردادی و نیز تأمین بستر لازم در جهت رشد متوازن و جلوگیری از رشد نامتوازن تعریف می‌شود. تقسیمات کشوری از مهم‌ترین مسائلی است که برای هر گونه برنامه‌ریزی در سطح کشور به طور اعم و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای به طور خاص، در جهت اداره بهتر و بهره‌برداری بیشتر استعدادهای ضرورت دارد. کارکرد تقسیمات کشوری که شاید مورد توجه تمام نظام‌های سیاسی باشد، عبارت است از

تأمین خدمات و امکانات برای مناطق نیازمند و تسهیل حاکمیت دولت تا پایین‌ترین سطح سیاسی (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰، ۳۱). در واقع تقسیمات کشوری، نوعی سازماندهی فضایی-اداری برای تسهیل در اعمال حاکمیت دولت، شیوه مدیریت و تصمیم‌گیری و همچنین انتظام نوع و نحوه رابطه دولت-ملت و ملت با ملت است. در همین ارتباط محدوده‌های متوازن تقسیمات کشوری در واقع ظرف مکانی به‌شمار می‌رود که می‌توان آن را فصل مشترک تمام پدیده‌های عینی و غیرعینی نظیر منابع طبیعی، جمعیت، سنت و فرهنگ، فعالیت، زیرساخت‌ها، تشکیلات، روابط، حرکات و... دانست که به‌تبع پیشینه تاریخی، نظام حکومتی، ضرورت‌های سیاسی و اجتماعی-اقتصادی در طی زمان، انتظام و آرایش خاص به خود می‌گیرد (اطاعت و موسوی، ۱۳۸۷: ۵۹). اصول مبنا در فرایند سازماندهی سیاسی فضا و تقسیمات کشوری بدین شرح است: ۱- اصل تسهیل در خدمات‌رسانی در ناحیه سیاسی-جغرافیایی؛ ۲- اصل دسترسی سریع و کم‌هزینه به مرکز خدمات و کانون ناحیه سیاسی در مقیاس موردنظر؛ ۳- اصل رضایت‌مندی سکنة فضای جغرافیایی از الگوی قالب‌گیری سیاسی-فضایی؛ ۴- اصل مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌های ملی و منطقه‌ای؛ ۵- اصل وحدت، وفاق و وفادرای ملی و یکپارچگی سیاسی-فضایی؛ ۶- اصل یکپارچگی وحدت سازمانی و اداری در تعامل بخشی دولتی و مردمی در یک نظام سلسله‌مراتبی از سطح ملی تا سطح محلی؛ ۷- اصلی پویایی و نقش‌آفرینی نواحی و مناطق در الگوی کارکردهای سطح ملی و در چارچوب رقابت سازنده میان مناطق؛ ۸- اصل تمرکز در سیاست‌گذاری‌های کلان و امور ملی و عدم تمرکز در سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور منطقه‌ای و محلی؛ به عبارت دیگر توزیع منطقی قدرت سیاسی و اجرایی در فضای کشور (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۳۸۰).

تقسیمات کشوری چارچوب و استخوان‌بندی سرزمینی کشور به‌عنوان بستری برای تأمین امنیت ملی، کشوری و ناحیه‌ای به موازات مهیاسازی شرایط مطلوب برای توسعه متوازن و متعادل همه مناطق کشور است (احمدی‌پور و همکاران، الف ۱۳۹۳: ۱۷۶). چگونگی سازماندهی فضا نقش مؤثری در توسعه کشورها دارد؛ زیرا با تقسیم سرزمین به واحدهای کوچک‌تر تصمیمات مهمی درباره چگونگی رشد ناحیه با توجه به این تقسیمات اتخاذ می‌شود. توسعه و ارتقای سطح کارکردهای یک واحد تقسیماتی تا اندازه زیادی به نحوه سازماندهی سیاسی فضا و آرایش بهینه قلمرو سرزمینی بستگی دارد (احمدی‌پور و همکاران، ب ۱۳۹۳: ۲). اداره بهینه یک کشور، مستلزم تقسیم مناسب سرزمین به واحدهای کوچک‌تر است. به‌منظور رسیدن به یک وضعیت مطلوب در امر تقسیمات کشوری و همچنین پاسخگویی به تغییرات در جنبه‌های مختلف در سطح ناحیه، می‌توان اصلاحات و تغییراتی را در این تقسیمات به وجود آورد. در این تغییرات اعم از ارتقای سطح سیاسی، الحاق و انتزاع، تغییر محدوده‌ها و مرزها و... سعی بر این است تا براساس ضوابط و معیارهای مشخص و مختلف، تقسیمات جدیدی ایجاد شود که مبتنی بر نیازهای منطقه و به‌منظور از بین بردن نواقص تقسیمات قبلی باشد و زمینه‌ای را برای برنامه‌ریزی‌های آینده فراهم آورد. اصلاح اداری-سرزمینی، سیاست‌ها و شیوه‌های جدید سازماندهی مجدد تعداد واحدها و سطوح دولت است که به‌منظور اداره بهتر تقسیمات و تشکیلات سرزمین طراحی می‌شود. این اصلاحات (مثل ایجاد یا تقسیم واحدها) اگر به‌طور اصولی و درست انجام شود، باعث افزایش رفاه ساکنان از طریق ارائه بهینه خدمات، افزایش سطح دموکراسی، رشد اقتصادی سریع‌تر و افزایش سطح امنیت و همچنین ایجاد نظم و روابط هماهنگی بین مناطق و واحدها خواهد شد (Ferrazzi،

5: 2007). از آنجایی که اصلاحات تقسیمات سیاسی اداری با اصلاحات نهادهای اجرایی اداره امور عمومی همراه است (5: 2010, Reiljan), تقسیمات کشوری جدید این امکان را فراهم می‌کند که نتیجه‌گیری‌های مقدماتی و الگوهای مقرراتی را در تغییرات اقتصادی در حال وقوع، در شهرستان‌های مختلف طراحی کنیم (3: 2004, Wilk). یکی از اهداف مهم تقسیمات کشوری و منطقه‌ای، حضور ملموس‌تر و عینی‌تر دولت میان مردم نواحی مختلف است؛ پس باید امکانات و خدمات بیشتری از طریق ایجاد سطوح درون‌کشوری و زیر ناحیه‌ای فراهم کند. اگر توسعه اقتصادی پیرامون یک ناحیه یا بخش کمتر از نواحی پیرامون است، می‌توان با تغییر در الگوها و مدل‌های تخصصی و اصلاحات ناحیه‌ای به بهبود وضعیت آن ناحیه یا منطقه اقدام کرد (22: 2007, Ferrazzi). از اهداف دیگر اصلاحات اداری سرزمینی ایجاد یک دولت محلی کارآمد با قابلیت توسعه اقتصادی و ارائه بهینه خدمات به ساکنان ناحیه است. این امر مستلزم اصلاح ساختار اداری-سرزمینی و اصلاح سیستم مالی و اعتبارات است. در واقع اصلاح و تقویت اقتصادی دولت‌های محلی می‌تواند به‌عنوان یک راهکار به‌منظور توسعه ناحیه‌ای مورد توجه قرار گیرد. از منظر دموکراتیک می‌توان گفت که اصلاحات براساس گرایش بیشتر به دموکراسی محلی و ایفای یک نقش پررنگ‌تر در تصمیم‌گیری‌ها و امور محلی با تأکید بر روی افزایش بهبود کارکردها، بهره‌وری بیشتر و کاهش اختلافات و نابرابری‌ها بین مناطق مختلف شکل می‌گیرد. درواقع اصلاحات به‌منظور پاسخگویی و رفع خواست‌ها و گرایش‌ها و نیازهای جوامع محلی که در جستجوی ایفای یک نقش مهم‌تر در تصمیم‌گیری‌ها هستند، انجام می‌شود.

اصلاحات در تقسیمات کشوری به دو صورت عمده می‌تواند صورت گیرد: ۱- اصلاحات سرزمینی مثل

ارتقای سیاسی، انتزاع، تغییر مرزها و محدوده‌ها و...؛ ۲- اصلاحات مدیریتی که مربوط به اصلاح ساختار حاکمیتی، شیوه اداره سرزمین و اصلاح نهادهای سیاسی-اداری مدیریت سرزمین است. تحدید حدود و ناحیه‌بندی اداری یک کشور باید امکان ثبات و پایداری داشته‌باشد. هر پتانسیل بالقوه از تقسیم‌بندی و طراحی دوباره باید توازن را در برابر هزینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و تحمیل‌شده ایجاد کند. این اقدام ارتباط تنگاتنگی با زندگی ساکنان دارد و هرگونه تغییر در نواحی و تقسیمات سیاسی-اداری باعث بروز مجموعه گسترده‌ای از پدیده‌های مثبت و منفی ناشی از عملکرد تغییرات جدید می‌شود (8: 2010, Reiljan).

بررسی کیفیت زندگی امروزه به‌عنوان یکی از حوزه‌های نسبتاً جدید علمی و تأثیرگذار در زندگی بشر، در شاخه‌های مختلف علوم موردتوجه قرار می‌گیرد. به‌طوری که از اوایل دهه ۹۰، گزارش سازمان ملل، توسعه‌ای با رویکرد به توسعه انسانی را مدنظر داشته و پس از مدتی تغییراتی اساسی در اهداف توسعه حاصل شد. بدین ترتیب بهزیستی اجتماعی و کیفیت زندگی در رأس اهداف توسعه قرار گرفت (قرنجیک و بدری، ۱۳۹۴: ۶۸). چگونگی تعریف کیفیت زندگی، بستگی به مکان زندگی مردم، کار و فعالیت آنان و منشأ نژادی و فرهنگی آنان دارد که البته این امر بر پیچیدگی موضوع می‌افزاید (مختاری و نظری، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

عده‌ای کیفیت زندگی را به‌عنوان قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه و برخی دیگر از این مفهوم به‌عنوان ابزاری برای میزان جذابیت، برخی به‌عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایت‌مندی و مواردی از این دست تعبیر کرده‌اند (Epley and Menon, 2008: 281). در این راستا قلمروهای مختلفی برای این بحث تعیین شده‌است؛ به‌عنوان مثال، شفر و همکارانش بر سه قلمرو اجتماع، محیط و اقتصاد تأکید دارد که بیانگر ارتباط متقابل مفاهیم زیست‌پذیری،

کیفیت زندگی و پایداری است (Van kampt and et al, 2003: 11). کامینز^۱ از هفت قلمرو مهم شامل بهزیستی مادی، سلامت، بهره‌وری، تعلق، امنیت، اجتماع و بهزیستی عاطفی برای محاسبه شاخص ترکیبی کیفیت زندگی استفاده می‌کند. اسمیت^۲ شش قلمرو اصلی از کیفیت زندگی را به شرح زیر شناسایی کرده‌است: ۱- درآمد؛ ثروت و کار؛ ۲- محیط؛ ۳- سلامت؛ ۴- آموزش؛ ۵- مشارکت؛ ۶- ناهجاری‌های اجتماعی نظیر جرم و جنایت (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴). به‌طور کلی، دو رویکرد اصلی در پژوهش‌های کیفیت زندگی وجود دارد: رویکرد عینی و رویکرد ذهنی. این رویکردها در اغلب موارد به‌طور مجزا و به‌ندرت به‌صورت تلفیقی، برای سنجش کیفیت زندگی به کار می‌روند. کیفیت عینی زندگی، با استفاده از شاخص‌های عینی مربوط به واقعیت‌های قابل مشاهده و ملموس زندگی اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص‌ها از داده‌های ثانویه مانند تراکم جمعیت، میزان جرم، میزان تحصیلات، خصوصیات خانوار و... حاصل می‌شود. کیفیت زندگی در ابعاد ذهنی، ادراک و ارزیابی افراد را در زمینه وضعیت زندگی خود منعکس می‌سازد و با استفاده از شاخص‌های ذهنی اندازه‌گیری می‌شود (علوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۲۷). کیفیت زندگی مردم و مکان‌های روستایی به عوامل زیادی از جمله اشتغال، درآمد مناسب، دسترسی به خدماتی مانند آموزش و بهداشت، سلامت، محیط طبیعی، امنیت و... وابسته است. هرچند کیفیت زندگی مردم و مکان‌های شهری نیز بدین عوامل وابسته است؛ اما چالش‌های مربوط به سنجش رفاه و زندگی بهتر در این گونه نواحی با مناطق روستایی بسیار تفاوت دارد. برخی از این چالش‌ها به شرایط کلان اقتصادی وابسته هستند، اما برخی دیگر به چارچوب سازمانی و نهادی

موجود در نواحی روستایی مربوط می‌شود. عواملی مانند مقیاس کوچک و تراکم کم سکونتگاه‌های روستایی، کاهش اشتغال و درآمد در بخش کشاورزی، فاصله زیاد و انزوای جغرافیایی آن‌ها، راه‌های ارتباطی و شبکه حمل‌ونقل نامناسب و ناکارآمد، اجرای سیاست‌های لازم برای بهبود کیفیت زندگی روستایی را پیچیده‌تر می‌کند (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷: ۴-۳).

پیشینه تحقیق

تقسیمات سیاسی فضا و به‌ویژه ارتقای سیاسی فضا در هر سطحی می‌تواند آثار و پیامدهای گوناگونی بر روی نواحی روستایی داشته‌باشد که این تأثیرات تا حدودی از نظر محققان گوناگون مورد مطالعه و ارزیابی قرار گرفته‌است. در زمینه تأثیرات ارتقای سیاسی فضا بر روی نواحی روستایی در سالیان اخیر تحقیقات قابل توجهی انجام شده‌است؛ اما عمده این تحقیقات یا بر روی تأثیرات ارتقای سیاسی-اداری روستاها به شهر متمرکز بوده‌است، یا اینکه بر روی تقسیمات سیاسی استانی توجه داشته‌اند؛ در این ارتباط تحولات سیاسی-اداری در سطح ناحیه‌ای و اثرات آن بر کیفیت زندگی مردم روستایی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌است. در ادامه به چند نمونه از مطالعات مرتبط با این تحقیق اشاره می‌شود:

رضوانی و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی ارتقای روستاها به شهر و اثرات آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان پرداختند و دریافتند ارتقای روستا به شهر در این دو شهرستان باعث بهبود چشم‌گیر کیفیت زندگی در این سکونتگاه‌ها شده‌است. پورطاهری و همکاران (۱۳۹۰) با تأکید بر ایجاد استان‌های جدید به مطالعه نقش ارتقای سطوح مدیریت سیاسی فضا در توسعه روستایی قزوین پرداخته‌اند و دریافتند که در همه زمینه‌های اقتصادی،

1. Cummins
2. Smith

اجتماعی و کالبدی، روند تغییرات مناطق روستایی از دیدگاه جامعه نمونه، مثبت بوده و با کاهش مؤلفه‌های منفی همراه بوده است. کریمی و همکاران (۱۳۹۱) نیز به بررسی تأثیر ارتقای روستاها به شهر در توسعه مناطق کوهستانی از دیدگاه مردم محلی بخش دیلمان-شهرستان سیاهکل پرداختند و به این نتیجه رسیدند که تبدیل دیلمان به شهر در رونق اقتصادی، بهبود شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی و ارتقای وضعیت کالبدی-محیطی تأثیر چندانی نداشته است. امیرانتخابی (۱۳۹۴) با تحلیل ایجاد نوسه‌ها در شبکه سکونتگاه‌های ناحیه فومنات طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ پرداخت و نشان داد که این ناحیه طی سه دهه اخیر توان نگه‌داشت و ایجاد تعادل در سازمان فضایی ناحیه را نداشته است. جمینی و همکاران (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی به قصد بررسی توزیع فضایی کیفیت زندگی و شناسایی تعیین‌کننده‌های آن در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان روانسر، به این نتیجه رسیدند که شکاف و نابرابری در بین روستاها با بهره‌گیری از تحلیل خوشه‌ای نشان داد حدود شش درصد از روستاها در خوشه اول، ۱۵ درصد در خوشه دوم و ۷۹ درصد در خوشه سوم قرار گرفته‌اند و بیانگر حاکمیت کیفیت ضعیف زندگی بر روستاهای محدوده مورد مطالعه است.

ویلک^۱ (۲۰۰۴) در پژوهشی که به هدف بررسی تأثیر تغییرات تقسیمات اداری صورت گرفته بعد از سال ۱۹۹۹ بر روی موقعیت اقتصادی شهرها انجام داد، دریافت که تغییرات در تقسیمات اداری، نقش اقتصادی بسیاری از شهرها را در لهستان پررنگ‌تر کرده است. آیدین و همکاران^۲ (۲۰۱۶) نیز به بررسی نیازهای بهداشتی منازل و کیفیت زندگی سالمندان در مناطق روستایی غرب ترکیه پرداختند و دریافتند که

روستاییانی که بیش از ۷۵ سال سن داشتند، توانایی مراقبت شخصی از خود را نداشتند و وجود مراقب در منزل، نیاز اصلی شمرده می‌شد که بر کیفیت زندگی افراد تأثیرگذار بود. چن و همکاران^۳ (۲۰۱۷) به بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در میان ساکنان مناطق روستایی چین پرداختند و دریافتند که وضعیت اجتماعی-اقتصادی به کیفیت زندگی وابسته است و یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های سطح کیفیت زندگی است. همچنین آرورا و کالرا^۴ (۲۰۱۸) به ارزیابی کیفیت زندگی مردمی که با مصرف‌کنندگان مواد در جوامع شهری و روستایی دهلی زندگی می‌کردند، دریافتند مردمی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند در مقایسه با مناطق شهری، کیفیت زندگی پایین‌تری دارند و از سوی دیگر عواملی مانند تحصیلات، وضعیت تأهل، درآمد ماهانه خانواده به‌طور معنادار بر کیفیت زندگی تأثیرگذار است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به‌لحاظ هدف کاربردی و از حیث روش توصیفی-تحلیلی است. اطلاعات موردنیاز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده است. در بخش جمع‌آوری مطالعات میدانی ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه است. این پرسشنامه محقق ساخته بوده و سؤالات آن در قالب طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت در دو بُعد ذهنی و عینی، ۸ شاخص و ۳۵ گویه، وضعیت کیفیت زندگی روستاییان را در دو بازه زمانی قبل و از تقسیمات جدید و ارتقای سیاسی-اداری ناحیه مورد مطالعه، بررسی کرد (جدول ۱).

3. Chen

4. Arora& Kalra

1. Wilk

2. Aydin et al

جدول ۱. ابعاد و متغیرهای مورد مطالعه تحقیق

منبع	گویه	شاخص	کیفیت زندگی
عناستانی و همکاران (۱۳۹۵)	۱- میزان فرصت های شغلی؛ ۲- دسترسی به منابع و اعتبارات مالی؛ ۳- درآمد و ثروت خانواده	اشتغال	عینی
سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۹۵)	۱- مقاومت بناهای ساختمانی؛ ۲- کیفیت تجهیزات و تأسیسات مسکن	مسکن	
محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۲)	۱- سرقت و دزدی؛ ۲- نزاع و درگیری؛ ۳- اعتیاد	امنیت	
براتی و یزدان پناه (۱۳۹۰)	۱- میزان همبستگی اجتماعی؛ ۲- میزان مشارکت اجتماعی در مدیریت روستا؛ ۳- میزان شرکت در مناسک ملی و مذهبی	مشارکت	
دانایی و همکاران (۱۳۹۶)	۱- کیفیت راه ها و معابر؛ ۲- کیفیت خدمات حمل و نقل؛ ۳- کیفیت خدمات پستی؛ ۴- کیفیت خدمات تلفن همراه؛ ۵- کیفیت خدمات اینترنت؛ ۶- میزان دسترسی به روزنامه و نشریات	ارتباطات	
ربیعی فر و حضرتی (۱۳۹۴)	۱- نظافت و پاکیزگی روستا؛ ۲- جمع آوری زباله؛ ۳- کیفیت آب آشامیدنی	بهداشت محیط	
شاهرخانی ساردو (۱۳۹۴)	۱- سهولت دسترسی به مراکز آموزشی؛ ۲- سهولت دسترسی به مراکز بهداشتی-درمانی؛ ۳- سهولت دسترسی به مراکز اداری-سیاسی؛ ۴- سهولت دسترسی به مراکز ورزشی؛ ۵- شبکه معابر؛ ۶- وسایل حمل و نقل مناسب	دسترسی به کاربری ها و زیرساخت های مناسب	
غفاری و امید (۱۳۹۰)	۱- سهولت انجام فرایندهای اداری؛ ۲- انجام طرح های عمرانی در روستا؛ ۳- مدیریت روستایی	فرایندهای اجرایی	ذهنی
سجاسی قیداری (۱۳۹۵)	۱- احساس محرومیت؛ ۲- احساس پیشرفت در زندگی؛ ۳- احساس خوشبختی؛ ۴- امید به آینده؛ ۵- میزان استرس و فشارهای روحی و روانی؛ ۶- تعلق مکانی؛ ۷- تمایل به ادامه زندگی در روستا	امید به زندگی	

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵)

بعد از ارتقای سیاسی-اداری فضا در ناحیه مورد مطالعه سنجیده شد.

جدول ۲. نتایج آلفای کرونباخ برای شاخص های تحقیق

شاخص	عینی	ذهنی	پایایی کل
آلفای کرونباخ	۰/۸۲	۰/۸۴	۰/۸۳

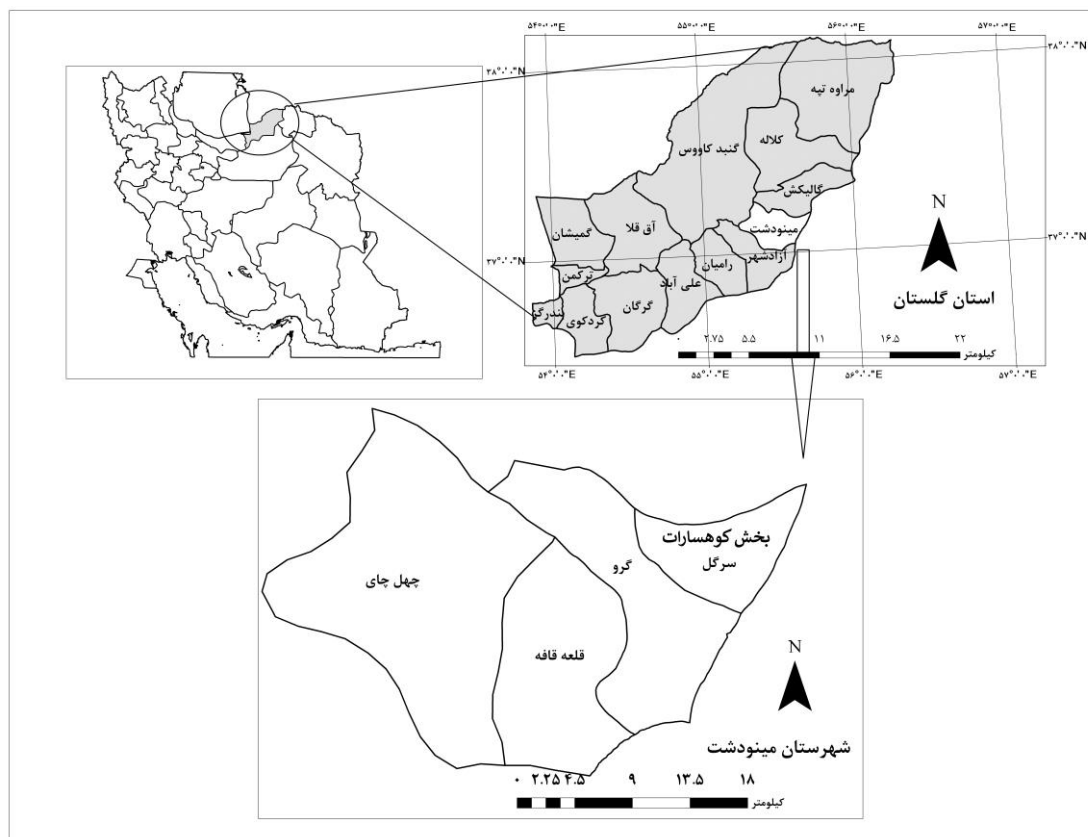
(منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۵)

شهرستان مینودشت بین ۵۵ درجه و ۱۳ دقیقه و ۳۰ ثانیه تا ۵۶ درجه و ۱ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۱ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی در قسمت شرق استان گلستان واقع شده است. محدوده مورد مطالعه بخش کوهسارات در شهرستان مینودشت است. این بخش شامل دو دهستان (گرو و سرگل) و هجده روستاست که دارای ۴۲۶۴ خانوار و ۱۵۷۴۵ نفر

همچنین در زمینه روایی تحقیق از روش منطقی استفاده شد؛ بدین ترتیب که ظاهر و محتوای پرسشنامه توسط ده نفر از خبرگان امر که متشکل از کارشناسان ارشد و دکتری رشته های جغرافیای انسانی است، تأیید شد. به منظور سنجش پایایی تحقیق، تعداد ۲۵ پرسشنامه به صورت پیش آزمون در منطقه توزیع شد و میزان ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۳ به دست آمد و گویای مناسب بودن پرسشنامه و مناسب بودن پایایی آن است (جدول ۲). به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار آماری SPSS و آزمون ویکاکسون استفاده شد و با استفاده از این آزمون تغییرات شاخص های کیفیت زندگی در دو دوره قبل و

نمونه در هر روستا به صورت تصادفی سیستماتیک بوده است.

جمعیت است که حجم نمونه متناسب با تعداد جمعیت هر روستای بین سرپرستان خانوار توزیع شد. انتخاب



نقشه ۱. محدوده مورد مطالعه
(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵)

همان گونه که نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد، میانگین دوره قبل از تغییرات فضایی ۳/۲۸ و بعد از آن ۳/۴۸ بوده است و بیانگر این است که ارتقای فضایی تأثیری بر بهبود مسکن نداشته است. از سوی دیگر، شاخص امنیت در قبل از تقسیمات دارای میانگین ۲/۷۴ و پس از آن ۳/۳۳ بوده است، همچنین سطح معنی‌داری این شاخص ۰/۰۰۰ برآورد شد که می‌توان گفت ارتقای فضا بر بُعد امنیت تأثیرگذار بوده و منجر به بهبود آن شده است.

شاخص دیگر کیفیت زندگی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، مشارکت است که میانگین آن از

یافته‌های پژوهش

نتایج به دست آمده از ۳۵۲ پرسشنامه توزیع شده در بین سرپرستان خانوار بیانگر این است که وضعیت کیفیت زندگی روستاییان در بُعد عینی در قبل و بعد از ارتقای سیاسی فضا تغییر و تفاوت چندانی با هم ندارد؛ به گونه‌ای که در زمینه شاخص اشتغال براساس سه گویه مورد بررسی در این زمینه، میانگین قبل از تقسیمات ۱/۸۸ و بعد از آن ۱/۹۰ برآورد شد و این امر گویای عدم بهبود در وضعیت اشتغال روستاییان است. میانگین شاخص مسکن در دوره قبل و بعد از ارتقای سیاسی فضا نیز تفاوت چندانی با هم ندارند؛ زیرا

جدول ۳. نتایج حاصل بُعد عینی شاخص های کیفیت زندگی

شاخص	میانگین امتیاز دوره		رتبه ها		سطح معناداری
اشتغال	قبل	۱/۸۸	منفی	۴۲	۰/۲۳۳
	بعد	۱/۹۰	مثبت	۵۱	
			برابر	۲۵۹	
مسکن	قبل	۳/۲۸	منفی	۴۰	۰/۳۱۷
	بعد	۳/۴۸	مثبت	۸۹	
			برابر	۲۲۳	
امنیت	قبل	۲/۷۴	منفی	۵۲	۰/۰۰۰
	بعد	۳/۳۳	مثبت	۱۸۹	
			برابر	۱۱۰	
مشارکت	قبل	۲/۴۳	منفی	۳۲	۰/۱۳۲
	بعد	۲/۵۱	مثبت	۴۴	
			برابر	۲۷۷	
ارتباطات	قبل	۲/۶۲	منفی	۶۹	۰/۲۱۳
	بعد	۲/۶۲	مثبت	۶۵	
			برابر	۲۱۶	
بهداشت محیط	قبل	۲/۸۴	منفی	۳۸	۰/۰۰۴
	بعد	۳/۱۷	مثبت	۱۲۰	
			برابر	۱۹۴	
دسترسی به کاربری ها	قبل	۲/۴۶	منفی	۳۲	۰/۰۰۲
	بعد	۳/۰۵	مثبت	۱۶۲	
			برابر	۱۵۸	
فرایندهای اجرایی	قبل	۲/۸۴	منفی	۳۸	۰/۰۰۴
	بعد	۳/۱۷	مثبت	۱۲۰	
			برابر	۱۹۴	

(منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۵)

ارتقای سیاسی فضا ۲/۴۳ و پس از آن ۲/۵۱ به دست آمد؛ بنابراین می توان گفت، فضای سیاسی بر بُعد مشارکت اجتماعی کیفیت زندگی تأثیر مثبت و معنی داری نداشته است. شاخص ارتباطات نیز در هر دو دوره قبل و بعد از ارتقای فضا دارای میانگین ۲/۶۲ بوده است. یکی دیگر از شاخص های کیفیت زندگی، بهداشت محیط است. بررسی شاخص در دو دوره قبل و بعد از ارتقای سیاسی فضا نشان می دهد که در هر دو دوره، تفاوت معناداری میان آن وجود دارد؛ به گونه ای که بهداشت محیط قبل از ارتقای سیاسی فضا، ۲/۸۴ و بعد از آن، ۳/۱۷ برآورد شد؛ از سوی دیگر، سطح معنی داری این شاخص نیز ۰/۰۰۴ به دست آمد و بیانگر این است که تقسیمات سیاسی فضا توانسته است موجب بهبود کیفیت محیط زیست در مناطق روستایی شود.

از سوی دیگر، دسترسی به کاربری ها در دو دوره با توجه به میانگین های به دست آمده دارای تفاوت هستند؛ به گونه ای که قبل از ارتقای سیاسی، دسترسی به کاربری ها دارای میانگین ۲/۴۶ و بعد از آن دارای میانگین ۳/۰۵ برآورد شد، سطح معنی داری این شاخص نیز ۰/۰۰۲ به دست آمد. در نهایت، آخرین شاخص بررسی شده در بُعد عینی کیفیت زندگی، شاخص فرایندهای اجرایی است که قبل از فرایند ارتقای سیاسی فضا، میانگین آن ۲/۸۴ و بعد از آن ۳/۱۷ به دست آمد. همچنین سطح معنی داری این شاخص ۰/۰۰۴ محاسبه شد و بیانگر این است که ارتقای سیاسی فضا بر فرایندهای اجرایی تأثیرگذار بوده و منجر به بهبود آن شده است (جدول ۳).

نتایج نهایی حاصل از تلفیق شاخص ها در بُعد عینی بیانگر این است که بُعد عینی کیفیت زندگی در دو دوره قبل و بعد از اجرای ارتقای سیاسی فضا با توجه

بحث و تحلیل

کیفیت زندگی مفهومی پیچیده و چندبُعدی است که عوامل مختلفی مانند زمان، مکان، عوامل فردی و اجتماعی بر آن تأثیر می‌گذارد. تقسیمات فضایی یکی از عوامل مکانی و زمانی است که بر کیفیت زندگی تأثیرگذار است؛ بنابراین ساماندهی فضا در هر کشور و یا واحد جغرافیای سیاسی از فرایندهای پویا تبعیت می‌کند که دارای یک ساختار سیاسی است و در چهارچوب کشور نمود پیدا می‌کند و این ساختار برای رسیدن به اهداف خود به متناسب‌بودن ساختار جغرافیایی - فضایی و متناسب با تحولاتی که در زمان رخ می‌دهد، باید از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار باشد.

با توجه به آنچه ذکر شد، در پژوهش حاضر به بررسی اثرات تقسیمات فضایی بر کیفیت زندگی در مناطق روستایی پرداخته شد. برای سنجش و بررسی شاخص‌های بُعد عینی کیفیت زندگی، از ۲۹ گویه بهره‌گرفته شد. در شاخص اشتغال، میزان فرصت‌های شغلی، دسترسی به منابع مالی و اعتباری، مقایسه میانگین‌ها در هر دو دوره نزدیک به هم است؛ زیرا برای دستیابی به شغل، مهاجرت افراد با تحصیلات عالی در مناطق روستایی وجود دارد و این امر گویای عدم‌تغییر در این شاخص از کیفیت زندگی است. بررسی کیفیت مسکن روستایی در دو گویه مقاومت بناهای ساختمانی و کیفیت تجهیزات و تأسیسات ساختمانی صورت گرفت که تفاوت معناداری در دو دوره مشاهده نمی‌شود و بیشتر منازل مسکونی از مصالح کم‌دوام ساخته شده‌اند و اقدامی در جهت بهسازی آن‌ها صورت نگرفته است. یکی از شاخص‌های مهم کیفیت زندگی وجود امنیت است که در این تحقیق از سه گویه میزان سرقت، نزاع و درگیری و اعتقاد در جهت سنجش آن استفاده شد؛ نتایج نشان داد تفاوت معناداری در این شاخص در قبل و بعد از ارتقای سیاسی فضا وجود دارد و علت آن را می‌توان

به میانگین‌های به‌دست‌آمده یعنی ۲/۶۳ و ۲/۹۰ تغییر چندانی نداشته است (جدول ۴).

جدول ۴. نتایج نهایی بُعد عینی کیفیت زندگی

شاخص	میانگین امتیاز دوره		رتبه‌ها		سطح معناداری
بُعد عینی	قبل	۲/۶۳۶	منفی	۴۳	۰/۱۱۳
	بعد	۲/۹۰۳	مثبت	۱۰۵	
			برابر	۲۰۴	

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

بُعد دیگر کیفیت زندگی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، بُعد ذهنی است که برای سنجش آن از هفت گویه بهره‌گرفته شد. نتایج یافته‌های این بخش براساس میانگین‌های به‌دست‌آمده از دو دوره قبل و بعد از تغییرات سیاسی فضا که در دوره قبل دارای میانگین ۲/۹۹ و دوره بعد از تغییرات ۳/۰۲ به‌دست آمد، می‌توان دریافت تغییرات سیاسی فضا بر بُعد ذهنی کیفیت زندگی چندان محسوس نبوده و تفاوت چندانی بین دو دوره مشاهده نمی‌شود (جدول ۵). درنهایت می‌توان گفت، کیفیت زندگی در هر دو بُعد عینی و ذهنی در قبل و بعد از تغییرات فضایی تفاوت چندانی با هم نداشته است و ارتقای سیاسی فضا نتوانسته کیفیت زندگی روستاییان را بهبود بخشد.

جدول ۵: نتایج نهایی بُعد ذهنی کیفیت زندگی

شاخص	میانگین امتیاز دوره		رتبه‌ها		سطح معناداری
بُعد ذهنی	قبل	۲/۹۹	منفی	۷۴	۰/۰۷۸
	بعد	۳/۰۲	مثبت	۹۷	
			برابر	۱۸۱	

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵)

کاهش دزدی و درگیری بین مردم دانست. این روند کاهشی در مورد این دو شاخص را می‌توان به استقرار دائمی نیروی انتظامی در مرکز بخش پس از ارتقای سیاسی ذکر کرد؛ ولی این امر نتوانسته در کاهش میزان اعتیاد تغییری حاصل کند.

شرکت در مناسک ملی و مذهبی، ازجمله عواملی است که تغییرات سیاسی فضا توانسته است بر آن تأثیر مثبت داشته و آن را در بُعد مشارکت کیفیت زندگی ارتقا دهد. بخش زیادی از این تغییر وضعیت را می‌توان به استقرار و برگزاری نماز جمعه در مرکز بخش مرتبط دانست که این امکان را برای روستاییان فراهم می‌آورد که در این مراسم به سهولت شرکت کنند. همچنین با توجه به استقرار بخش‌داری در این ناحیه، مراسم ملی و مذهبی در مرکز این بخش به صورت منظم و مستمر برگزار می‌شود که موجب سهولت در شرکت روستاییان در ناحیه مورد مطالعه شده‌است. از سوی دیگر، همبستگی اجتماعی و مشارکت اجتماعی در مدیریت روستایی در دو دوره قبل و بعد نیز چندان تفاوتی با هم ندارد و علت آن را می‌توان در عواملی چون عدم اعتماد مناسب بین روستاییان، وجود برنامه‌ریزی از بالا در فرایندهای مدیریتی روستا و بی‌توجهی به نقش مشارکتی مردم در آن‌ها ذکر کرد. برای سنجش مؤلفه ارتباطات از شش گویه بهره گرفته شد که در همه آن‌ها تفاوتی در قبل و بعد از ارتقای سیاسی مشاهده نشد. از جمله این گویه‌ها، کیفیت راه‌ها و معابر است که نامناسب بودن آن در سکونتگاه‌های روستایی منجر به عدم دسترسی مناسب روستاییان به استفاده از روزنامه و نشریات، برخورداری از حمل‌ونقل مناسب و همچنین استقرار پایگاه‌های پست و شبکه‌های تلفن همراه شده‌است. از سوی دیگر، ازجمله عواملی که زیست‌پذیری را در مناطق روستایی بهبود می‌بخشد، عوامل محیطی مانند نظافت و پاکیزگی روستا، جمع‌آوری و دفن زباله‌ها و کیفیت آب آشامیدنی است

که بر کیفیت زندگی روستاییان تأثیر مثبت دارد. در این پژوهش جمع‌آوری و دفن زباله در مکان مناسب و بهداشتی و دور از محل سکونت روستاییان دارای تفاوت محسوسی با قبل از ارتقای فضا بوده‌است که وجود دهیاری و سازمان‌های متولی مدیریت روستایی بر این موضوع تأثیرگذار بوده‌اند و توانسته‌اند با آگاه‌سازی روستاییان آن را ارتقا دهند؛ همچنین مواردی مانند دسترسی بیشتر روستاییان به آب لوله‌کشی سالم منجر به بهبود کیفیت آب آشامیدنی شده‌است. دسترسی به مراکز بهداشتی-درمانی، اداری-سیاسی و مراکز ورزشی در شاخص دسترسی به کاربری‌ها دارای تفاوت معنی‌داری در دوره بوده‌است که بیشترین تفاوت در گویه مراکز سیاسی-اداری است که به واسطه وجود آمدن نهادهای مختلف چون دهیاری، بخش‌داری و شهرداری است.

مراکز بهداشتی-درمانی نیز به واسطه تأسیس خانه بهداشت، مراکز درمانی، دسترسی مناسب به پزشک، جلوگیری از بیماری‌های واگیردار و کنترل بیماری‌های مشترک بین دام و انسان توانسته‌است به وضعیت مناسب‌تری نسبت به قبل از تغییرات سیاسی فضا دست‌یابد. فرایندهای اجرایی در مناطق روستایی شامل سه بُعد سهولت انجام فرایندهای اداری، انجام طرح‌های عمرانی در روستا و مدیریت روستایی است که در هر سه مورد تفاوت چندان در قبل و بعد از ارتقای سیاسی فضا مشاهده نمی‌شود و دلیل آن را مدیریت روستایی متمرکز و بی‌توجهی به مشارکت مردم بیان کرد.

بررسی شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی براساس گویه‌های آن نشان می‌دهد که با توجه به دیدگاه سرپرستان خانوار، تفاوت بین دو دوره در رابطه با گویه‌های احساس محرومیت، پیشرفت در زندگی، احساس خوشبختی و امید به آینده و بسیاری موارد دیگر در سطح پایینی قرار دارد که تمایل به زندگی

روستاییان را در این مناطق کاهش داده‌است و احساس تعلق خاطر به روستا در آنان ضعیف است. از سوی دیگر، وجود مشکلات متعدد اقتصادی، طبیعی و اجتماعی سبب استرس و فشارهای روحی و روانی آنان شده‌است.

نتیجه‌گیری

تقسیمات کشوری فرایندی مستقل در هر کشور برای مدیریت سرزمین و اداره بهینه امور و ایجاد حداکثر کارایی در ارائه خدمات بوده که تحت عنوان تقسیمات سیاسی فضا نامیده می‌شود. درواقع تقسیمات کشوری، نوعی سازماندهی فضایی-اداری برای تسهیل در اعمال حاکمیت دولت، شیوه مدیریت و تصمیم‌گیری و همچنین انتظام نوع و نحوه رابطه دولت-ملت و ملت با ملت است. براساس قانون تقسیمات کشوری، سطوح و عناصر تقسیمات کشوری جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: روستا، دهستان، شهر، بخش، شهرستان و استان. تقسیمات سیاسی فضا به روش‌های مختلفی مانند انتزاع، الحاق، ادغام و ارتقا در سطوح مختلف ناحیه‌بندی سیاسی فضای کشور دچار تغییر می‌شود. از این میان یکی از حالتی که در سالیان اخیر، تقسیمات سیاسی-اداری فضای کشورمان را دستخوش تغییر کرده‌است، ارتقای سیاسی فضا است که در سطوح و عناصر مختلف مشاهده می‌شود؛ یکی از مصادیق این ارتقای سیاسی فضایی در سطح ناحیه‌ای، در قالب ارتقای یک یا چند دهستان به بخش است؛ موضوعی که در این تحقیق نیز تأثیرات آن بر روی کیفیت زندگی روستاییان مورد مطالعه قرار گرفته‌است و در این راستا به صورت مطالعه موردی بخش کوهسارات از توابع شهرستان مینودشت واقع در شرق استان گلستان مورد بررسی قرار گرفت. براساس نتایج به دست آمده، این تغییر تقسیمات سیاسی در ابعاد عینی و ذهنی، کیفیت زندگی

روستاییان را تحت تأثیر قرار داده و موجبات تغییراتی را فراهم آورده‌است؛ در بُعد ذهنی از هفت مؤلفه مورد مطالعه، در چهار مؤلفه در دوره بعد از ارتقای سیاسی فضا، تفاوت معناداری نسبت به دوره قبل مشاهده می‌شود. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: احساس محرومیت، امید به آینده، تعلق مکانی و تمایل به ادامه زندگی. بر مبنای نتایج این بخش می‌توان نتیجه‌گیری کرد که ارتقای سیاسی فضا منجر به کاهش احساس محرومیت و افزایش امید به آینده، افزایش تعلق مکانی و افزایش تمایل به ماندگاری در روستا شده‌است. در بُعد ذهنی در مورد سه مؤلفه احساس پیشرفت در زندگی، احساس خوشبختی، میزان استرس و فشارهای روحی و روانی، تفاوت معناداری بین دو دوره بعد و قبل از ارتقای سیاسی فضا مشاهده نشد.

همچنین نتایج مطالعات در بُعد عینی کیفیت زندگی نشان می‌دهد که تغییرات ناشی از ارتقای سیاسی فضا درباره همه شاخص‌های بهداشت محیط از جمله نظافت و پاکیزگی روستا، جمع‌آوری زباله‌ها، کیفیت آب آشامیدنی در دو دوره بعد و قبل از ارتقای سیاسی فضا دارای تفاوت معناداری از لحاظ آماری است. همچنین در زمینه فرایندهای اجرایی نیز از سه شاخص مورد مطالعه در دو شاخص سهولت انجام فرایندهای اداری و مدیریت روستایی تفاوت معناداری در دوره مشاهده شود؛ همین وضعیت در زمینه وضعیت کاربری‌ها و امنیت وجود دارد؛ به گونه‌ای که در مورد وضعیت کاربری‌ها از چهار شاخص مورد مطالعه، در سه شاخص سهولت دسترسی به مراکز بهداشتی-درمانی، سهولت دسترسی به مراکز اداری-سیاسی و سهولت دسترسی به مراکز ورزشی تفاوت معناداری وجود داشت و در مورد وضعیت امنیت از سه شاخص مورد مطالعه در دو شاخص سرقت و دزدی و نزاع و درگیری این تفاوت مشاهده شد (همسو با نتایج پژوهش پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰).

در نهایت در مؤلفه اجتماعی از سه شاخص مورد مطالعه، تنها شاخص میزان شرکت در مناسک ملی و مذهبی تفاوت معناداری در دوره بعد از ارتقای سیاسی فضا با دوره قبل داشته‌است؛ همچنین در زمینه مؤلفه مسکن، هر دو شاخص مقاومت بناهای ساختمانی و کیفیت تجهیزات و تأسیسات مسکن، در مورد مؤلفه ارتباطات هر شش شاخص کیفیت راه‌ها و معابر، کیفیت خدمات حمل‌ونقل، کیفیت خدمات پستی، کیفیت خدمات تلفن همراه، کیفیت خدمات اینترنت، میزان دسترسی به روزنامه و نشریات، در زمینه مؤلفه وضعیت اقتصادی، هر سه شاخص میزان فرصت‌های شغلی، دسترسی به منابع و اعتبارات مالی و میزان پس‌انداز، تفاوت معناداری در دوره بعد از ارتقای سیاسی فضا با دوره قبل مشاهده نشد. ضمن آنکه در مورد شاخص انجام طرح‌های عمرانی در روستا، سهولت دسترسی به مراکز آموزشی، اعتیاد، میزان همبستگی اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی در مدیریت روستا نیز تفاوت معناداری به لحاظ آماری بین دو دوره وجود ندارد. در نهایت این تحقیق با توجه به آنکه از بین ۳۵ شاخص مورد مطالعه (۲۸ شاخص در بُعد عینی و ۷ شاخص در بُعد ذهنی) تنها در ۱۵ شاخص تفاوت معناداری بین دو دوره قبل و بعد از ارتقای سیاسی فضا مشاهده شد؛ نتیجه می‌گیرد که در پی ارتقای سیاسی فضا در سطح ناحیه، به‌طور خاص ارتقای دهستان به بخش به‌تنهایی نمی‌تواند تغییرات همه‌جانبه‌ای در کیفیت زندگی روستاییان به‌وجود آورد (همسو با پژوهش‌های احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹)؛ بنابراین لازم است این ارتقای سطح بلافاصله با ارتقای یک عنصر تقسیمات کشوری مانند ارتقای روستای مرکزی بخش به شهر همراه شود؛ اتفاقی که در ناحیه مورد مطالعه علی‌رغم گذشت چند سال از تقسیمات اخیر سیاسی-اداری شهرستان رخ نداده و باعث شده‌است ارتقای سیاسی-اداری سطح دهستان به

بخش نیز با توفیق بالایی همراه نشود. در نهایت این تحقیق ارتقای سیاسی فضا را به‌عنوان نسخه‌ای علاج‌بخش در جهت افزایش و بهبود کیفیت زندگی نواحی روستایی در همه نواحی جغرافیایی پیشنهاد نمی‌دهد و آن را صرفاً در قسمتی از نواحی که با مرکز ناحیه فاصله زیادی دارند، پیشنهاد می‌دهد و البته این امر را در رابطه با ارتقای مرکزیت بخش تازه‌تأسیس به شهر لازم و ملزوم می‌داند.

با توجه به آنچه ذکر شد، در جهت ارتقای بهتر کیفیت زندگی در مناطق روستایی، ذکر راهکارهای زیر ضروری به‌نظر می‌رسد:

- افزایش فرصت‌های شغلی از طریق تقویت صنایع دستی و محلی؛
- ایجاد صنایع کوچک در مقیاس محلی در جهت دسترسی به منابع مالی و اعتباری؛
- تقویت راه‌های ارتباطی و بهبود شبکه معابر در جهت دسترسی بهتر روستاییان به خدمات مختلف؛
- سیاست‌های تشویقی برای کاهش آلودگی منابع آب و حفظ محیط زیست؛
- برگزاری کلاس‌های آموزش شهروندی برای افزایش تعامل و همبستگی بین روستاییان.

منابع

- احمدی‌پور، زهرا؛ جعفرزاده، حسن؛ میرزایی، محمدرضا. ب (۱۳۹۳). تحلیل کارکردی تقسیمات کشوری در اجرای برنامه‌های آمایش سرزمین با تأکید بر ایران، فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای، صاحب امتیاز دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱۲-۱.
- احمدی‌پور، زهرا؛ رحمتی، منصور؛ حافظ‌نیا، محمدرضا. ج (۱۳۹۱). تأثیر ارتقای سطح سیاسی فضایی بر گسترش توریسم: استان اردبیل، فصلنامه مدرس علوم انسانی- برنامه‌ریزی و آمایش فضا، صاحب امتیاز دانشگاه تربیت مدرس، دوره شانزدهم، شماره ۱، صص ۱۴۷-۱۲۰.

پایداری محیط، صاحب امتیاز دانشگاه رازی کرمانشاه، شماره ۱۹، صص ۱-۱۶.

جمینی، داوود؛ صفری علی اکبری، مسعود؛ صالحی کاخکی، مریم؛ علی پور، خالد؛ ذوالفقاری، امیرعلی. (۱۳۹۶). توزیع فضایی کیفیت زندگی و شناسایی تعیین کننده‌های آن در سکونتگاه‌های روستایی (مورد مطالعه: شهرستان روانسر). جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، صاحب امتیاز دانشگاه اصفهان، سال ۲۸، شماره دوم، صص ۷۸-۵۷.

حاتمی نژاد، حسین؛ یوسفی، رشید؛ هاشمی، اصغر؛ نوزار، سمیه. (۱۳۹۷). ارزیابی و سنجش شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی شهری (مورد مطالعه: منطقه ۶ شهر تهران). جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، صاحب امتیاز دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۲۹، صص ۱۲۶-۱۰۷.

حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران. تهران: انتشارات سمت.

دانیایی، علی؛ ولی شریعت پناهی، مجید؛ مهدوی، مسعود. (۱۳۹۶). تحلیل نقش شاخص‌های کیفیت زندگی در توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: دهستان بهمنی، شهرستان بهمنی). فصلنامه جغرافیایی سرزمین، صاحب امتیاز دانشگاه آزاد اسلامی، سال ۱۴، صص ۹۲-۷۱.

ربیعی فر، ولی اله؛ حضرتی، مجید. (۱۳۹۴). تحلیل و ارزیابی اثرات اجرایی طرح هادی در بهبود ابعاد کالبدی - فضایی و محیطی کیفیت زندگی روستایی (مورد مطالعه: استان زنجان). برنامه‌ریزی فضایی، صاحب امتیاز دانشگاه اصفهان، سال پنجم، شماره دوم، صص ۱۳۷-۱۱۷.

رضوانی، محمدرضا؛ منصوریان، حسین. (۱۳۸۷). سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی. فصلنامه روستا و توسعه، صاحب امتیاز سازمان تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی، سال ۱۱، شماره ۳، صص ۲۶-۱.

سجاسی قیداری، حمدالله. (۱۳۹۵). تحلیل تأثیرات پرداخت یارانه‌های نقدی بر بهبود کیفیت زندگی خانوارهای روستایی (مورد مطالعه: روستاهای دهستان شیرینگ). مجلس و راهبرد، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سال ۲۳، شماره ۸۵، صص ۱۴۱-۱۰۷.

احمدی پور، زهرا؛ قنبری، عزیزالله؛ حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۹). تأثیر الگوی تقسیمات کشوری بر توسعه فضای جغرافیایی (مطالعه موردی: استان زنجان). فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا. صاحب امتیاز دانشگاه تربیت مدرس، دوره چهاردهم، شماره ۴، صص ۶۱-۳۹.

احمدی پور، زهرا؛ قنبری، قاسم؛ ملکی، عاطفه. (۱۳۸۸). تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای سطوح تقسیمات کشوری (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان فارس). فصلنامه ژئوپلیتیک، صاحب امتیاز انجمن ژئوپولیتیک ایران، سال پنجم، شماره اول، صص ۴۷-۲۹.

احمدی پور، زهرا؛ میرشکاران، یحیی؛ هورکاد، برنارد. الف (۱۳۹۳). سازمندی سیاسی فضا در ساختارهای بسیط. فصلنامه ژئوپلیتیک، صاحب امتیاز انجمن ژئوپولیتیک ایران، سال دهم، شماره سوم، صص ۱۹۹-۱۷۶.

اطاعت، جواد؛ موسوی، سیده زهرا. (۱۳۸۷). تقسیمات کشوری و توسعه پایدار (مطالعه موردی: ایران). فصلنامه ژئوپلیتیک، صاحب امتیاز انجمن ژئوپولیتیک ایران، سال چهارم، شماره سوم، صص ۷۴-۵۷.

امیرانتخابی، شهرام. (۱۳۹۴). پیامدهای تبدیل روستاها به شهر در ناحیه فومنات. فصلنامه جغرافیا، صاحب امتیاز مؤسسه آموزش عالی قشم، دوره جدید، سال سیزدهم، شماره ۴۶، صص ۲۵۱-۲۳۵.

براتی، ناصر؛ یزدان پناه شاه‌آبادی، محمدرضا. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط مفهومی سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محیط شهری (نمونه موردی: پردیس). جامعه‌پژوهی فرهنگی، صاحب امتیاز پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۲، شماره ۱، صص ۴۹-۲۵.

پورطاهری، مهدی؛ نظری، ولی الله؛ رکن‌الدین افتخاری عبدالرضا؛ احمدی پور، زهرا. (۱۳۹۰). نقش ارتقای سطوح مدیریت سیاسی فضا در توسعه روستایی با تأکید بر ایجاد استان‌های جدید (مطالعه موردی: استان قزوین). فصلنامه ژئوپلیتیک، صاحب امتیاز انجمن ژئوپولیتیک ایران، سال هفتم، شماره سوم، صص ۵۲-۲۵.

پیلهور، علی اصغر. (۱۳۹۵). اثرات تقسیمات کشوری بر نابرابری‌های شهری - ناحیه‌ای در خراسان شمالی. جغرافیا و

جعفریای جنوبی شهرستان ترکمن). مجله آمایش جغرافیایی فضا، صاحب امتیاز دانشگاه گلستان، سال پنجم، شماره مسلسل هجدهم، صص ۸۲-۶۷.

کریمی، بهرام؛ بدری، سیدعلی؛ سلمان، محمد؛ قدیری معصوم، مجتبی. (۱۳۹۱). ارزیابی تأثیر ارتقای روستاها به شهر در توسعه مناطق کوهستانی از دیدگاه مردم محلی (نمونه موردی: بخش دیلمان-شهرستان سیاهکل). فصلنامه پژوهش‌های روستایی، صاحب امتیاز دانشگاه تهران، سال سوم، شماره سوم، صص ۳۱-۱.

محمدی یگانه، بهروز؛ چراغی، مهدی؛ ولایی، محمد. (۱۳۹۲). نقش گردشگری مذهبی در توسعه روستایی، با تأکید بر کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: روستای قبقاق شهرستان میاندوآب). تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، صاحب امتیاز دانشگاه خوارزمی، سال ۱۳، شماره ۳۰، صص ۲۵-۷.

مختاری، مرضیه؛ نظری، جواد. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی کیفیت زندگی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.
مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استان گلستان، ۱۳۹۳.

Arora, S., Kalra, R (2018), Quality of life (QOL) of people living with substance users in urban and rural community of Delhi, Current Medicine Research and Practice, no8, pp96-99.

Aydin, R., Unal, E., Gokler, M.E., Metintas, S., Emiral, G.O., Ozay, O., Onsuz, F., Isikli, B (2016), An evaluation of home health care needs and Quality of Life among the elderly in a semi-rural area of Western Turkey, European Geriatric Medicine, no 7, pp8-12.

Chen, Y., Sun, G., Guo, X., Chen, S., Chang, Y., Li, Y., Sun, Y (2017), Factors affecting the quality of life among Chinese rural general residents: a cross-sectional study, Public Health, no 146, pp140-147.

Das, D(2008), Urban quality of life: A case study of Guwahati, Social Indicators Research, no 88, pp 297-310.

Epley, D. & Menon, M(2008), A Method of Assembling Cross-sectional Indicators into a Community Quality of Life, Soc Indic Res, 88:281-296.

Ferrazzi, Gabriele,(2007).,international experiences in territorial reform-implications for Indonesia,

سعیدی، عباس. (۱۳۹۱). پویای ساختاری-کارکردی: رویکردی بدیل در برنامه‌ریزی فضایی. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، صاحب امتیاز دانشگاه خوارزمی، سال یکم، شماره ۱، صص ۱۸-۱.

شاهرخی ساردو، صالح؛ نوری پور، مهدی؛ پدارم، پیمان. (۱۳۹۴). ارزیابی کیفیت زندگی مناطق روستایی با استفاده از تاکسونومی عددی (مورد مطالعه: دهستان اسفندقه، شهرستان جیرفت). ترویج و آموزش کشاورزی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، جلد ۱۱، شماره دوم، صص ۴۷-۳۱.

شکور، علی؛ زنگی‌آبادی، علی؛ کریمی قطب‌آبادی، فضل‌الله. (۱۳۹۳). ضرورت‌ها و دلایل تقسیمات استانی در ایران با رویکرد منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان فارس). فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، صاحب امتیاز دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، سال چهارم، شماره ۱، صص ۱۲-۱.

علوی، سید علی؛ فتاحی، احدالله؛ رمضان‌نژاد، یاسر؛ خلیفه، ابراهیم. (۱۳۹۴). رتبه‌بندی نواحی روستایی براساس میزان رضایت از کیفیت زندگی با استفاده از مدل تصمیم‌گیری کوپراس (مطالعه موردی: دهستان نورآباد، بخش مرکزی شهرستان دلفان، استان لرستان)، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، صاحب امتیاز دانشگاه تهران، دوره ۴۷، شماره ۳، صص ۴۳۷-۴۲۳.

عنابستانی، علی‌اکبر؛ محمودی، حمیده؛ سربرقی طرقله، تکتیم. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کیفیت زندگی روستاییان بر ارتقای کیفیت مسکن روستایی (مورد مطالعه: بخش شاندیز شهرستان بینالود). برنامه‌ریزی فضایی، صاحب امتیاز دانشگاه اصفهان، سال ششم، شماره اول، صص ۲۰-۱.

غفاری، غلامرضا؛ امیدی، رضا. (۱۳۹۰). کیفیت زندگی شاخص‌های توسعه اجتماعی، نشر شیرازه.

فراهانی، حسین؛ بهمنی، افشین؛ جبالی، فرزانه. (۱۳۹۵). فرایند تبدیل سکونتگاه‌های روستایی به شهر و اثرات آن بر کیفیت زندگی شهروندان (مورد مطالعه: شهر بلب‌آباد، شهرستان دهگلان). برنامه‌ریزی منطقه‌ای، صاحب امتیاز دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، سال شش، شماره ۲۲، صص ۲۰۲-۱۹۱.

قرنچیک، مجید؛ بدری، سید علی. (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان

- reiljan, janno(2010)., The necessity of an administrative-territorial in a country :the case of Estonia, The University of Tartu feba.
- Santos, L. and Martins, I., 2007, Monitoring urban quality of life: The Porto experience, Social Indicators Research, no80, pp 411-425.
- Van K., Irene, e (2003), Urban environmental quality and humanwell-being, toward a conceptual framework and demarcation of concepts: aliterature study” Landscape and Urban Planning.no 65, pp 5-18.
- Wilk, W(2004),the effect of changes in administrative division on the economic position of the largest cities in Poland ,warszawa,miscellanea geographical.
- USAID Democratic Reform Support Program (DRSP).for the Management Group on Territorial Reform.
- Gupta, S. (2015), Modeling Regional Disparities for a Balanced Quality of life and Apportioning Public Funding - aGraph Theoretical Approach, Applied Research Quality Life, no 10, vol3, pp 473–493.
- Lee, Y.J. (2008), Subjective quality of life measurement in Taipei, Building and Environment, vol 43 , no7, pp: 1205–1215.
- Philips, David (2006), Quality of Life Concept, policy and practice, Routledge, London and New York.

